

نقش پلیس و ضابطان خاص در پیشگیری از جرائم زیست محیطی

در سیاست جنایی ایران

حمزه علیپور^۱ و ابوالقاسم کفشگر^۲

چکیده

زمینه و هدف: با آن که قانون اساسی در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، پیشگیری از جرم و اقدامات مناسب در این راستا را از وظایف قوه قضاییه مقرر کرده است، واضح است که به موجب سایر اصول قانون اساسی وظیفه پیشگیری از جرم فقط بر عهده این قوه نبوده بلکه این قوه فقط متولی اصل پیشگیری از جرم است زیرا در ماده ۲ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ به این مهم اشاره شده است. نیروی انتظامی که از عوامل اساسی و بنیادی در بسترسازی امنیت در پیشگیری از وقوع جرائم است به موجب بند ۱۴ ماده ۲ دارای وظایف اساسی و مشروح در راستای پیشگیری وضعی در بعد انتظامی است، بنابراین پلیس و سایر ضابطان خاص در خط مقدم این پیشگیری قرار دارند و در این پژوهش به بررسی نقش آنها پرداخته می شود.

روش شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب جمع آوری و تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: در راستای اتخاذ سیاست جنایی کارا و مناسب، تشکیل پلیس ویژه برخورد با جرائم زیست محیطی و افزایش اختیارات ضابطان در جرائم زیست محیطی از طریق قانونگذاری و بالابردن سطح آگاهی ضابطان از قوانین و تفهیم اختیارات و وظایف ضابطان در برخورد با جرائم زیست محیطی و تدوین لایحه قانون آیین دادرسی کیفری افتراقی و تخصصی کردن شعب ویژه از بدو تحقیق تا محاکمه و اجرای حکم و راه‌اندازی بانک جامع اطلاعاتی مجرمان و حمایت‌های مالی و حقوقی و توجه ویژه به حوزه گردشگری از طریق بکارگیری ظرفیت‌های بالقوه محیط زیست در جذب توریست و اشتغال‌سازی از سوی دولت و نهادهای فرهنگی احترام به محیط زیست در جامعه می‌تواند از جمله اقدامات علمی و عملی راهگشا در کاهش و پیشگیری از جرائم زیست محیطی باشد.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری از جرم، سیاست جنایی، جرائم زیست محیطی، ضابطان.

□ استناد: علیپور، حمزه و کفشگر، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). نقش پلیس و ضابطان خاص در پیشگیری از جرائم زیست محیطی در سیاست جنایی

ایران. فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۲(۴)، صص ۱۱۷-۱۳۶.

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. (نویسنده مسئول). رایانامه: hamzeh.alipoor62@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی. رایانامه: reza.baghypour1@gmail.com

مقدمه

ضابطان قضایی به ویژه نیروی انتظامی و سایر ضابطان خاص به عنوان بخشی از دستگاه‌های اجرایی کشور در خط مقدم جرائمی هستند که جنبه عمومی داشته و عهده‌دار کشف و اعلام جرائم به مقام قضایی و انجام تحقیقات خواسته شده از جانب مقام قضایی هستند که بدین ترتیب نقش ویژه ضابطان به عنوان بازوی دستگاه قضایی در پیشگیری از وقوع جرائم محرز است. قانونگذار کیفری ایران در مواد ۲۸ الی ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به بررسی نقش و تکالیف ضابطان دادگستری پرداخته و در ماده ۲۹ قانون یادشده انواع ضابطان را تشریح کرده است که حسب بند الف ماده ۲۹ از قانون یادشده، فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی که آموزش لازم رادیده باشند ضابط عام هستند. در بند ب ماده یادشده قانونگذار به ضابط خاص اشاره داشته که مشمول مقامات و مأمورانی می‌شود که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محول شده، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. یکی از انواع این ضابطان خاص که در قوانین خاص نیز ذکر شده، مأموران اداره محیط زیست هستند. ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ مقرر می‌دارد «مأموران سازمان که از طرف سازمان محیط زیست مسئول و مأمور کشف جرائم مربوط به محیط زیست هستند در صورتی که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که با لحاظ قانون یادشده، محیط بانان ضابط قضایی محسوب می‌شوند. ضابط خاص دیگری که در این پژوهش بررسی شد، مأموران اداره منابع طبیعی هستند که در راستای ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها، مأموران جنگلبانی را در اجرای قانون یادشده، ضابط قوه قضاییه محسوب کرده است که بر اساس ماده ۵۵ قانون یادشده، این مأموران همانند سایر ضابطان در مواقع برخورد با جرائم مشهود اختیار جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم است را داشته و مکلف هستند هرچه زودتر نتیجه اقدامات خود را به مقام قضایی گزارش دهند. گفتنی است که وظایف قانونی ضابطان خاص، مانع نخواهد شد که نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام در راستای پیشگیری انتظامی به وظیفه ذاتی خود همپا و هم دوش ضابطان خاص به ایفاء وظایف ذاتی خویش نپردازد، ضمن این که جایگاه ویژه‌ای نیز در تدابیر پیشگیرانه دارند. پلیس و ضابطان خاص علاوه بر نقش سنتی خود، با اجرای راهکارهای نوین می‌توانند نقش بسزایی

در پیشگیری از جرائم زیست محیطی و گسترش عدالت زیستی و حمایت از آن داشته و به دنبال آن زمینه‌ساز عدالت اجتماعی و امنیت ملی و بین‌المللی باشند.

سیاست جنایی پیشگیرانه، شاخه‌ای از سیاست جنایی است که موضوع آن تعیین و پیشنهاد اقدام‌های غیر کیفری به منظور پیشگیری از بزهکاری در جامعه یا یک جمعیت محدود است (زرگری، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر ابتدا تکالیف و نقش ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تعامل آنان با سایر دستگاه‌های اجرایی و مرجع قضایی تبیین و سپس اقدامات ضابطان در پیشگیری از جرائم زیست محیطی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران تشریح می‌شود. بنابراین پرسش اساسی در این پژوهش آن است که تعامل بین ضابطان عام و خاص با یکدیگر در پیشگیری از جرائم زیست محیطی به چه شکلی است و نقش ضابطان در پیشگیری از جرائم زیست محیطی در سیاست جنایی ایران چیست؟

مبانی نظری

ضابط لغت عربی از ریشه ضبط بوده و در فرهنگ معین به معنی نگاهدارنده یا حفظ‌کننده تعریف شده است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در مواد ۲۸ تا ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری به بیان تکالیف و وظایف ضابطان پرداخته و در ماده ۲۸ این قانون ضابطان دادگستری را مأمورانی می‌داند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم و حفظ آثار، علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم و شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و تحقیقات مقدماتی و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. آنچه با مذاقه در قانون حاضر و مقایسه آن با قانون آیین دادرسی کیفری سابق مصوب ۱۳۷۸ در می‌یابیم آن است که دیگر هر مأموری صلاحیت ندارد که ضابط دادگستری باشد بلکه فقط آن دسته از مأمورانی که آموزش‌های لازم را دیده باشند، ضابط دادگستری قلمداد می‌شوند.

ضابطان عام: قانونگذار در ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری انواع ضابطان را بیان کرده لکن تعریفی از آنان ارائه نکرده است. نگاهی به نظریه دکترین و رویه قضایی حکایت از آن دارد که ضابط عام عبارت است از افرادی که صلاحیت اقدام در تمام جرائم را داشته مگر آنچه قانون منع کرده باشد (آخوندی، ۱۳۹۰). بند الف از ماده یادشده، مصادیق ضابطان عام را فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش لازم را دیده باشند اعلام کرده است.

ضابطان خاص: بند ب ماده ۲۹ از قانون یادشده، مصایق ضابطان خاص را بیان داشته که با توجه به تعریف یادشده از ضابطان عام، ضابط خاص عبارت است از مأمورانی که به موجب قانون و تنها در موارد مصرح آن به شرط طی آموزش لازم تنها برخی از وظایف و تکالیف ضابطان را دارند و در سایر موارد فاقد هرگونه تکلیفی هستند و بنابراین در این موارد اصل بر عدم مداخله آنان در وظایف محوله بر ضابطان است، مگر آنچه به موجب قانون به ایشان اجازه داده شده است که این گونه از ضابطان در جرائم زیست محیطی عبارت اند از:

- ۱- مأموران جنگلبانی مطابق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع؛
- ۲- مأموران سازمان حفاظت از محیط زیست برابر ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳؛
- ۳- مأموران شهرداری طبق ماده ۷ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹؛
- ۴- مأموران وزارت نیرو و مؤسسه‌های تابعه و کارکنان وزارت کشاورزی برابر ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب؛
- ۵- مأموران سازمان بنادر و دریانوردی و حفاظت محیط زیست و شیلات برابر ماده ۱۲ قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی در برابر مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹.

مأموران جنگلبانی: مأموران جنگلبانی طبق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور در صورتی که به موجب حکم سازمان جنگلبانی (منابع طبیعی) مأمور کشف و تعقیب جرائم هستند، در ردیف ضابطان دادگستری محسوب می‌شوند و در صورت وجود شرایط لازم برای احراز ضابط دادگستری، اختیارات و مسئولیت‌های ویژه‌ای دارند که با این وصف باید واجد شرایطی باشند که عبارت‌اند از: الف. مأمورانی که به موجب احکام سازمان جنگلبانی مأمور کشف و تعقیب جرائم یادشده در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع هستند که این احکام جدا از حکم استخدامی با انتصاب مأموران در سازمان جنگلبانی است. به دیگر سخن نیازمند صدور حکم ویژه از سوی سازمان متبوع به سمت مأمور کشف و تعقیب جرائم مربوطه هستند.

ب. مطابق تبصره ۲ ماده ۵۴ قانون یادشده، مأمورانی ضابط تلقی می‌شوند که علاوه بر ابلاغ یادشده، وظایف ضابطان را در آموزش خاص دیده باشند.

مواد ۴۲ تا ۵۲ قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور در خصوص جرائم و مجازات‌ها در قانون یادشده تدوین شده است. مطابق ماده ۵۵ قانون یادشده، ضابطان خاص منصوب شده فقط در خصوص

کشف و تعقیب جرائم ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و در سایر موارد سمتی ندارند که باید در محدوده اختیارات تفویض شده انجام وظیفه کنند. بنابراین چنانچه کشف محمولات قاچاق مستلزم ورود به ابنیه یا امکانه خاص باشد، باید نسبت به اخذ مجوز قضایی اقدام کنند. برابر ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، کلیه ضابطان مکلف هستند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند و متخلفان به محکومیت سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شوند، مأموران ضابط در سازمان جنگلبانی نیز از این مقررات مستثنی نبوده و دارای مسئولیت هستند.

مأموران محیط زیست: وفق ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ مأمورانی که از طرف سازمان حفاظت محیط زیست مأمور کشف و تعقیب جرائم مندرج در این قانون باشند در صورتیکه وظایف ضابطان دادگستری را زیر نظر دادستان تعلیم دیده باشند در ردیف ضابطان قرار خواهند گرفت. همچنین برابر قانون، سازمان یادشده دارای گارد ویژه بوده که طبق ماده ۱ دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست مصوب ۱۳۷۵ متشکل از افرادی است که پس از طی دوره‌های آموزشی مربوطه مسئولیت نظارت بر فعالیت‌های توسعه عمرانی و کنترلی عوامل تخریب یا ترمیم یا بهسازی آن و نیز مسئولیت اجرای قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست و صید را برعهده داشته و متشکل از ارشد محیط‌دار، محیط‌دار، محیط‌بان، شکاربان (کمک محیط‌بان)، محیط‌بان راننده، اسلحه‌دار کارشناس و تکنسین محیط زیست بوده که طبق ماده ۱۶ دستورالعمل یادشده، افراد باید پس از گذراندن دوره موفقیت‌آمیز آموزشی و اخذ کارت ضابط، علامت ضابط دادگستری را بر بالای بازوی راست لباس خود درج کنند و فقط مأموران موصوف با شرایط مقرر، ضابطان خاص دادگستری محسوب می‌شوند.

مأموران شهرداری: برابر ماده ۷ از قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، گزارش مأموران شهرداری‌های مأمور اجرای این قانون که قبلاً با وظایف ضابط دادگستری آشنا شده باشند به منزله گزارش ضابط دادگستری است. بنابراین فقط گزارش این دسته از مأموران در راستای انجام وظایف در حکم گزارش ضابطان است به دیگر معنا وظایف و تکالیف و اختیارات ضابطان را برعهده نداشته و به این وصف گزارشی معتبر خواهد بود که جامع شرایط زیر باشد: ۱- گزارش بر اساس قانون و در حیطه وظایف شغلی مأمور تنظیم شود؛ ۲- مأموران مربوط آموزش لازم در حیطه ضابطان را دیده باشند و ۳- مأموران مربوطه موثق و معتمد مقامات قضایی باشند.

مأموران امور منابع آب: برابر ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب، گزارش کارکنان وزارت نیرو و موسسه‌های تابعه و کارکنان وزارت کشاورزی (بنا به معرفی وزیر کشاورزی) که به موجب ابلاغ مخصوص وزیر نیرو برای اجرای وظایف مندرج در این قانون انتخاب و به دادگستری‌ها معرفی می‌شوند، ملاک تعقیب متخلفان است و در حکم گزارش ضابطان دادگستری خواهد بود و تعقیب متخلفان مطابق ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به عمل خواهد آمد. مقنن در سال ۱۳۴۷ با تصوب قانون آب و نحوه ملی شدن آن مالکیت آب‌ها را از اشخاص حقیقی به دولت منتقل کرد و استفاده و بهره‌برداری از آب‌ها نیز تابع شرایط جدیدی شد.

تعامل ضابطان با دستگاه اجرایی و قوه قضاییه در راستای پیشگیری از جرم: ضابطان و نیروی انتظامی همیشه و در همه حال در صیانت از بیت المال و حقوق عامه در خط مقدم قرار داشته و از جمله اهم وظایف آنان حفظ امنیت و ثبات اجتماعی در جامعه است. در سنوات اخیر ضابطان برای کارآیی و اثربخشی و بهره‌وری خود در جامعه و توسعه آن در عرصه‌های مختلف، گام‌های مؤثری را برداشته‌اند؛ بی‌تردید موفقیت ضابطان در اعمال وظایف آنان در گرو اقبال جامعه از پلیس به عنوان ضابط عام و سایر ضابطان خاص است. ضابطان دادگستری اعم از پلیس و ضابطان خاص در حوزه عملکردی خود با هدف حفظ و صیانت از محیط زیست و منابع طبیعی پاسدار این نعمت الهی بوده و با تلاش مجدانه خود در راستای کاهش جرائم زیست محیطی اقدام می‌کنند. با توجه به اینکه فرایند دادرسی کیفری دارای پنج مرحله کشف جرم، تعقیب مجرمان، تحقیق جرائم دادرسی و اجرای حکم است و مرحله اول آن یعنی کشف جرم در زمره وظایف ضابطان قرار دارد، حسب ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان به منظور کشف جرم و انجام تحقیقات به دستور مقام قضایی تحت ریاست دادستان یا رئیس حوزه قضایی عمل می‌کنند.

تعقیب مجرمان و تحقیق جرائم به عنوان رکن دوم و سوم از فرایند دادرسی کیفری در زمره وظایف مرجع تحقیقات مقدماتی برابر ماده ۲۲ از قانون یادشده با ریاست دادستان است که به نمایندگی از جامعه تکلیف تعقیب متهمان را دارد؛ این دو نهاد دارای نقش حیاتی در حفظ و صیانت از آزادی‌های فردی و اجتماعی و سرمایه‌های ملی هستند. تعقیب کیفری از یکسو با حقوق و آزادی‌های افراد و از سوی دیگر با نظم و امنیت عمومی مرتبط است، اقدام به آن حقوق و آزادی‌ها را به مخاطره می‌اندازد و ترک آن نظم و امنیت را مختل می‌سازد. همین جدال میان دو ارزش اجتماعی در تجلی و ظهور تعقیب کیفری

است که می‌تواند آن را با دشواری مواجه ساخته و ایرادات اساسی بر آن وارد کند (میری، ۱۳۹۰، ص ۲۱). مرحله تعقیب کیفری به عنوان گرانیگاه تقابل منافع جامعه و منافع فرد دارای حساسیت ویژه‌ای است که اتخاذ رویکرد سختگیرانه و جامعه‌محور یا متهم‌محور و انعطاف‌پذیر به شایع شدن حقوق فرد یا جامعه منتهی می‌شود. از این رو تعامل مثبت نیروی انتظامی و سایر ضابطان خاص در کشف جرائم به عنوان متولی رکن اول از فرایند دادرسی با قوه قضاییه و دستگاه اجرایی در ایجاد امنیت و برقراری نظم و انضباط اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم، شناسایی بسترها و عوامل وقوع جرم، ایجاد امنیت اجتماعی و اخلاقی و افزایش ضریب امنیت مردم و جامعه نقش بسزایی دارد که در سایه این تعامل تنگاتنگ، شاهد کاهش وقوع جرائم و افزایش ضریب اطمینان و بسط و توسعه عدالت قضایی و حفظ حقوق شهروندی و افزایش آرامش و امنیت به عنوان هدف غایی خواهیم بود که این هدف با افزایش توان علمی و عملی و شایستگی اخلاقی ضابطان دادگستری، فراهم ساختن زمینه استفاده بهینه از قوای انتظامی و دیگر ضابطان خاص، وضع قوانین مناسب برای حفظ و حراست از ضابطان، رعایت شأن آنان به منظور اجرای عدالت، انجام صحیح دستورات قضایی، پرهیز ضابطان از برخوردهای دوگانه و تبعیض آمیز با مرتکبان جرائم، گزارش به موقع و سرعت در ارایه گزارشات به مرجع قضایی، ارایه طریق و مشاوره به ضابطان با کمیسیون‌های داخلی توسط سازمان‌های متبوع، مستندسازی ضابطان در راستای جمع‌آوری دلایل برای اعلام جرم و معرفی متهم به دستگاه قضایی محقق خواهد شد.

امروزه تخریب محیط زیست به طور مستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و چالش‌های اجتماعی جوامع بشری تأثیرگذار است. فرسایش خاک، آلودگی هوا، از بین رفتن جنگل‌ها و تغییرات آب و هوایی، همگی تأثیرات مستقیمی بر زندگی انسان‌ها دارد. محیط زیست شامل کلیه منابع طبیعی تجدیدشونده جاندار و بی‌جان از قبیل جنگل‌ها، گیاه، جانوران، خاک، آب، هوا، زمین و مانند آن است. بی‌تردید اهمیت و جایگاه محیط زیست در اصل پنجاهم قانون اساسی بیان شده که بیانگر فرابخشی بودن مسایل مربوط به محیط زیست و مرتبط با همه آحاد جامعه به خصوص سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوطه به عنوان متولیان امر در این حوزه است.

در حقوق ایران و قوانین موضوعه تعریف مشخص و معینی از جرائم زیست محیطی صورت نگرفته است که با مطالعه قوانین موضوع مرتبط در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست و شاکله حقوق جزایی

و رویه قضایی محاکم می‌توان آن را این گونه تعریف کرد: هرگونه فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه به محیط زیست و به خطر افتادن عناصر جاندار و بی‌جان محیط زیست می‌شود و در قوانین موضوعه دارای کیفر و مجازات معین است. با توجه به آنکه محیط زیست و منابع طبیعی ارتباط تنگاتنگ با علوم و فناوری دارند، بنابراین درک مسائل مربوط به خصیصه زیست محیطی آن مستلزم اطلاعات اولیه در حوزه جرائم زیست محیطی است.

پیشگیری از جرائم زیست محیطی در سیاست جنایی ایران: از دیدگاه فوئرباخ دانشمند آلمانی، آغازگر اندیشه سیاست جنایی در سال ۱۸۰۳ میلادی، سیاست جنایی، شامل مجموعه شیوه‌های سرکوبی می‌شود که دولت از طریق آن‌ها و با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. از دیدگاه دلماس مارتی سیاست جنایی، شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیئت اجتماع با توسل به آن‌ها به سامان‌دهی پاسخ‌ها در قبال پدیده مجرمانه، می‌پردازد (مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

در اغلب کشورها اصل پیشگیری به عنوان موضوع اساسی در شکل‌گیری سیاست جنایی نقش بسزایی ایفاء می‌کند که با توجه به آثار و پیامدهای زیان‌بار جرائم زیست محیطی، این اصل از اهمیت بسزایی در ابعاد مختلف سیاست‌گذاری جنایی برخوردار است و آنچه مسلم است آن‌که با نگاهی به آثار فراگیر جرائم زیست محیطی مطابق آن گونه که سزار بکاریا حقوقدان معروف ایتالیایی بیان می‌دارد: پیشگیری بهتر از سرکوب کردن است و به همین منظور ابتدا باید در راستای سیاست جنایی تقنینی به تدوین قوانین جامع و مانع و صریح و روشن و نحوه اقدامات و دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام سپس با آموزش ضابطان و برخورد به موقع و بجا و اتخاذ سیاست اجرایی مناسب در امر پیشگیری و متعاقب آن بررسی این اقدامات در دستگاه قضایی از طریق راهکارهای پیشگیری ثانویه با استفاده از منابع قانونی و شورای حفظ حقوق بیت‌المال و شورای پیشگیری از وقوع جرائم کوشید.

دیر زمانی نیست که اندیشه حقوقی مبتنی بر صیانت و پیشگیری، در میان جوامع علمی و حقوقی کشورهای مختلف رواج یافته است و در این مسیر، پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند؛ اما با نگاهی به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم که آنچه امروزه از آن به عنوان صیانت و پیشگیری از وقوع جرم یاد می‌شود در تار و پود پیام‌های آسمانی و رهنمودهای انبیا و اولیای الهی تنیده شده است؛ تا آنجا که می‌توان رسالت دین را رهایی انسان از تباهی، فساد و گمراهی دانست. در نظام الهی اسلام که بر اساس توحید و خدامحوری

است، تجلی احکام دین از خلقت حضرت آدم تاکنون در حیطه دستوره‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام قرآن کریم نمود پیدا می‌کند و قرآن به عنوان یک کتاب مقدس برنامه‌هایی برای سعادت انسان در نظر گرفته است که وی را در بالاترین جایگاه قرار می‌دهد.

بررسی پدیده بزهکاری و مطالعه بزهکاران، وجود رابطه علیت را بین بزه انتخابی و علل داخلی و خارجی به اثبات می‌رساند. اولین قدم در علم جرم‌شناسی، همچون علوم پزشکی در راه مبارزه با بیماری بزهکاری و ناسازگاری، شناخت انگیزه‌ها و دلایل جرم و تکوین پدیده بزهکاری است (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۷۰). پیشگیری عبارت است از مجموعه فعالیت‌ها و تدابیری که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می‌شود و با ریشه‌ها و علل پیدایش جرم مبارزه می‌کند (رشاد، ۱۳۸۰، ص ۲۸۵)؛ از نظر علمی می‌توان گفت که مراد از پیشگیری از جرم، هر اقدامی در چارچوب سیاست جنایی است که غرض انحصاری یا غیر کلی آن تحدید امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیر ممکن ساختن یا سخت و دشوار کردن یا کاهش احتمال وقوع آن است؛ بدون اینکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شد (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳).

پیشگیری از بزهکاری بر اساس تقسیم‌بندی کاپلان، به سه گونه پیشگیری نخستین، دومین (که جنبه پیشینی دارند) و سومین (که جنبه پسینی دارد)، تقسیم شده است (بیات، رشادتی پور و عبدی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). در تقسیم‌بندی دیگری، پیشگیری از جرم به صورت زیر ارائه شده است:

پیشگیری اولیه: این نوع پیشگیری، شامل همه افراد جامعه در شرایط عادی می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم آموزش و مهارت‌های لازم را برای جلوگیری از ارتکاب بزه فراگیرند و به روش‌های خودکنترلی مسلط شوند و تلاش در راستای حذف یا کاهش فرصت‌های مجرمانه است؛ به عبارت دیگر یعنی بهبود شرایط زندگی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۳۸). با توجه به نقش پلیس و ضابطان خاص در این مبحث از پیشگیری، آنچه گفتنی است آن که پیشگیری به صورت علمی در دهه ۱۹۸۰ در کشور انگلستان مطرح شد و با توجه به شرایط بزهکار و نوع جرائم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه‌دیده اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرایند آنها از بین رفتن یا تضعیف فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. در این روش کنترل و ابتکار برای پیشگیری جانشین برخورد کیفری و مجازات و یا انفعال می‌شود. در واقع هدف جرم مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته و از پیشرفت مراحل ارتکاب

جرم جلوگیری می شود (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۶۵). به طور مثال می توان به تجاوزات اراضی منابع طبیعی توسط دامداران اشاره کرد که با توجه به قواعد پیشگیری وضعی باید در محیط ارتکاب جرم تغییری ایجاد شده باشد که با توجه به رابطه جرائم زیست محیطی و محیط ارتکاب جرم در قالب کاهش فرصت ها و موقعیت ها، ارتکاب بزه را دشوار کرده که بدین ترتیب با لحاظ قاعده حسابگری بنتام سبب برهم خوردن معادلات مجرم شده و با این وصف ارتکاب جرم را برای مجرم پرهزینه و سخت کرد. به طور مثال در بحث قطع درختان و قاچاق چوب توسط اهالی روستاهای حاشیه جنگل ها، در ابتدای امر مسئله مهم ایجاد خط فرضی و جداسازی حریم روستاها از عرصه جنگلی است، به گونه ای که بافت روستا با جنگل تلاقی نداشته و نکته مهم دیگر وجود جاده و راه دسترسی به عمق جنگل ها، خود سبب تسریع در ارتکاب این گونه جرائم است؛ بنابراین باید تا حد امکان از احداث راه در بین جنگل ها یا مراتع خودداری کرد و همچنین ضابطان باید با اتخاذ تدابیر نظارتی در قالب سرکشی های مستمر و پیاپی، استقرار گروه های مردمی و تشکل های غیر دولتی حامی محیط زیست، تحت نظارت و آموزش ضابطان، سبب کاهش فرصت و موقعیت های ارتکاب جرم شوند.

پیشگیری ثانویه: اقدامات بازدارنده ای است که نسبت به افرادی انجام می گیرد که در معرض ارتکاب جرم هستند؛ بنابراین هدف این نوع پیشگیری تشخیص مجرمان بالقوه و مداخله در وضعیت ماقبل جنایی به منظور جلوگیری از وقوع جرم است. تفاوت اصلی این مدل با مدل پیشگیری اولیه در این است که در پیشگیری اولیه برنامه ها و اقدامات پیشگیرانه به منظور جلوگیری از پدید آمدن وضعیت هایی است که می تواند موجب وقوع جرم شود، اما در پیشگیری ثانویه تلاش ها بر وضعیت هایی متمرکز است که قبلاً پدید آمده و موجب قرارگرفتن افراد و گروه ها در آستانه ارتکاب جرم شده است (خسروشاهی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷). در این نوع پیشگیری هدف آن است که با بکارگیری تدابیر مناسب و زودهنگام از وقوع جرم توسط افرادی که در شرایط بحرانی بسر می برند و احتمال بزهکاری از سوی ایشان وجود دارد پیشگیری شود. نقش پلیس و ضابطان در این نوع پیشگیری از پیشگیری اولیه فعال تر است، به گونه ای که برای اجتناب و دوری از ارتکاب جرائم وارد عمل می شوند. ضابطان با برنامه ریزی و هدایت افراد در شرف ارتکاب جرم (مجرمان بالقوه) و کنترل موقعیت های ایجاد شده خطر ساز و اهداف جاذبه دار، نقش بازدارندگی از جرم را ایفاء می کنند. به طور مثال می توان به وجود معادن شن و ماسه در حاشیه رودخانه یا معادن سنگ، خاک

و مانند آن در دل مراتع و منابع طبیعی اشاره کرد که با توجه به وجود مجوز استخراج و بهره‌برداری از معادن باید ابتدا محدوده استخراج و بهره‌برداری و میزان مساحت، تحدید و معین شود و پس از مشخص شدن میزان برداشت با توجه به پروانه صادره، با نظارت‌های مستمر و پیاپی ضابطان مربوطه از هرگونه تعدی و تجاوز به عرصه محیط زیست جلوگیری به عمل آید و پس از پایان مدت اعتبار پروانه، چنانچه اقدامات صورت گرفته منتج به نتایج زیان‌بار زیست محیطی شده باشد با مستندسازی و مکاتبه با سازمان‌های متولی، از تمدید پروانه جلوگیری و از ادامه عملیات بهره‌برداری ممانعت به عمل آید.

پیشگیری ثالث: یکی از مباحث مهم در حوزه جرم‌شناسی بحث تکرار جرم است؛ بنابراین یک بخش از پیشگیری از جرم، در قلمرو پیشگیری از تکرار جرم معنا پیدا می‌کند و آن پیشگیری ثالث است. پیشگیری ثالث بر اشخاصی که قبلاً مرتکب جرم شده‌اند، تمرکز دارد (محمدنسل، ۱۳۹۱، ص ۳۱۱). پیشگیری ثالث آن دسته از اقداماتی است که پس از ارتکاب جرم، برای جلوگیری از بزهکاری دوباره فرد اعمال می‌شود (زرگری، ۱۳۹۰، ص ۹۸). از اهداف این نوع پیشگیری تمرکز بر خدشه‌دار کردن مقام و حرفه مجرمان و کاهش شدت و اهمیت بزه است و تلاش می‌شود تا بزهکاران قدیمی با جامعه سازگاری بیشتری پیدا کنند و با مداخله در بازسازی و اصلاح مجرمانی که مرتکب جرم شده و محکوم شده‌اند، از تکرار جرم آنان جلوگیری به عمل آید (معظمی، ۱۳۸۸، ص ۲۶). در این سطح از پیشگیری، سهم نهادهای عدالت کیفری و از جمله پلیس بیشتر از سایر دستگاه‌ها است. به همین دلیل پلیس باید برنامه‌های اصلاحی و کنترلی اثربخش و مداومی را برای مجرمان جامعه به صورت مستقیم و غیر مستقیم ترتیب دهد و اجرایی کند.

تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که پلیس امکان مداخله در تمام سطوح را دارد؛ اما متناسب با سطح و نقطه تمرکز انتخابی حضور پلیس نسبت به سایر نهادها، کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر می‌شود. برای مثال در پیشگیری مرحله اول، نقش آموزش پررنگ‌تر است و پلیس به عنوان یک بازوی اجرایی در کنار نهادهای جامعوی آموزشی، نقش مکمل ایفاء می‌کند؛ حال آنکه در برنامه‌های پیشگیری سوم نظیر نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، پلیس عهده‌دار نقش اصلی است و سایر نهادها نقش مکمل دارند. به طور کلی می‌توان ادعا کرد هرچه از مرحله اول به سمت مرحله سوم پیش می‌رویم به تدریج نقش پلیس و برنامه‌های پیشگیرانه پلیس پررنگ‌تر می‌شود (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۹). به طور مثال

می‌توان گفت معدن‌دارانی که خارج از چارچوب و ضوابط، پروانه گرفته و اقدام به بهره‌برداری غیر مجاز کرده باشند از عملیات اجرایی ایشان ممانعت به عمل آمده و پروانه آنها ابطال می‌شود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب جمع‌آوری و تحلیل شدند.

یافته‌ها

انواع سیاست جنایی در پیشگیری از جرائم زیست محیطی: سیاست جنایی بر اساس مفهوم موسع آن در چهارچوب یک روش کلی و هدفمند از عوامل و ساختارهای گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. در واقع سیاست جنایی اقدامات و تدابیر متنوعی است که دولت اعم از قوای مقننه، مجریه، قضاییه و جامعه مدنی، به طور مستقل یا با مشارکت هم برای سرکوبی بزه، به عنوان پاسخ به وضعیت‌های پیش جنایی، انحرافات، جرائم و نیز ترسیم آثار زیان‌بار جرم در چهارچوب مراجع رسمی (مانند دادگاه‌ها) یا مشارکتی (شوراهای میانجیگری و حل اختلاف) با آیین‌نامه‌های خاصی انجام می‌دهند (نجفی‌توانا، ۱۳۹۴، ص ۷۰). امروزه دیگر سیاست جنایی را فقط مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری نمی‌دانند که دولت‌ها از طریق آنها، در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهند (لواسور، ۱۳۷۲، ص ۳۹)؛ بلکه آن را مجموعه ابزارهای سرکوبگر و غیر سرکوبگر و حتی غیر حقوقی (مذهب و اخلاق) برای مبارزه علیه جرم می‌دانند (حسینی نیک، ۱۳۷۳، ص ۱۴). رسالت تدوین و هدایت سیاست جنایی و اجرای آن به دلیل ماهیت چند بعدی و گستردگی آن، به عهده تمام قوای عمومی و نظام حاکم و حتی هیئت اجتماع است. قوه مقننه شالوده و اساس این سیاست را با تقنین جرائم و مجازات‌ها و تعیین حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی معین می‌کند. قوه مجریه، مأمور اداره امور اقتصادی، سیاسی و اداری کشور است که گذشته از تکلیف کمک به سایر نهادها، وظیفه اصلی اجرای بخش مهمی از سیاست جنایی به ویژه در امر پیشگیری را به عهده دارد. قوه قضاییه ضمن تصدی امر قضا و رسیدگی به تظلم‌خواهی با تطبیق مصادیق و اعمال قانون، به ویژه تهیه طرح‌های پیشنهادی به منظور برقراری هرچه بهتر عدالت قضایی و اجتماعی، در تدوین و اجرای سیاست جنایی کشور نقش مهمی را ایفاء می‌کند (حسینی نیک، ۱۳۷۳، ص ۵۶)

سیاست جنایی تقنینی؛ سیاست تقنینی مفهومی اخص از سیاست جنایی است. با توجه به نوپا بودن موضوع سیاست جنایی در کشور و نیز تحولات گسترده و کثرت قوانین متعدد در مقام حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست و تردید در مقام اعمال قانون صالح از یک سو و نتایج زیانبار حاصل از فعالیت‌های تخریبی محیط زیست و غیر قابل جبران بودن خسارات وارده در بسیاری از موارد از سوی دیگر، از جمله مواردی هستند که اتخاذ اصول پیشگیری در جرائم زیست محیطی را مبرهن ساخته‌اند. اصل ۵۰ قانون اساسی به منزله تحولی مهم و توجهی ویژه به محیط زیست و منابع طبیعی است؛ طبق اصل یادشده «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازم پیدا کند، ممنوع است». اصول دیگری نیز در راستای حفاظت و حمایت از محیط زیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که از جمله اینها اصل ۴۵ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «اموال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نيزارها، بيشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عام نسبت به آنها عمل کند. تفضیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند» (قوام، ۱۳۷۵).

از بین رفتن و تخریب جنگل‌ها، تخریب زیستگاه‌های حیات وحش، انهدام مراتع، خشکانیدن تالاب‌ها و آب‌بندها، کاهش جمعیت پرندگان، صید بی‌رویه ماهیان، آلودگی‌های میکروبی و شیمیایی آب‌های ساحلی، آلودگی نفتی، آلودگی‌های صنعتی و شهری در رودخانه‌ها و آب‌های ساحلی، از جمله مشکلات جدی محیط زیست کشور ایران است. هر انسان عاقل و اندیشمندی با درک این خطرات حس خواهد کرد که چاره فقط منحصر به یک چیز است: «جلوگیری از ادامه تخریب و حفاظت از محیط زیست». بسیاری از جرائم زیست محیطی، حتی با اعمال هزینه‌های بسیار، قابل بازیابی و اعاده وضع به سابق نخواهد بود؛ به طور مثال خشک شدن دریاچه ارومیه، یا مقوله ریزگردها در غرب کشور و یا تخریب زیستگاه پرندگان و جانوران در شمال کشور با صرف هزینه‌های زیاد نیز قابل اعاده نیستند و کیفر متخلفان نیز هرگز وضعیت زیست محیطی را به وضع قبل اعاده نمی‌کند؛ بنابراین باید در قانونگذاری به دنبال اصولی

متقن و برجسته کردن اصل پیشگیری و جلوگیری از آلودگی محیط زیست بود، اگرچه در جرم‌انگاری در نتیجه ترس و ارعاب از مجازات نیز با بالا بردن هزینه‌های جرم این هدف مدنظر قرار می‌گیرد. سزار بکاریا حقوقدان معروف ایتالیایی نیز معتقد است پیشگیری از وقوع جرم، بهتر از کیفر دادن است و برای پیشگیری از جرائم پیشنهاد می‌کند که نخست، قوانین باید روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن بکار گرفته نشود، دوم مردم آموزش داده شوند و سوم پرهیزکاران پاداش داده شوند (بکاریا، ۱۳۷۷).

موضوع مداخله پلیس و ضابطان در پیشگیری از جرم در سال‌های اخیر به لحاظ نهادینه شدن پیشگیری از جرم در نیروی انتظامی و تشکیل شورای عالی پیشگیری، جایگاه مهمی را کسب کرده است. با توجه به اینکه جرائم زیست محیطی و تجاوز به منابع طبیعی درصد قابل توجهی از جرائم خاص را شامل می‌شود، بنابراین شایسته است که مقنن تدابیری را در راستای اتخاذ یک سیاست جنایی کارآ و مناسب عملی کند. در خصوص نقش ضابطان در پیشگیری از جرائم زیست محیطی در بعد سیاست جنایی تقنینی وظایف مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- تشکیل پلیس ویژه برخورد با جرائم زیست محیطی؛
- ۲- افزایش اختیارات ضابطان در جرائم زیست محیطی از طریق قانونگذاری؛
- ۳- مسدودسازی طرق قانونی تجاوز به منابع طبیعی و محیط زیست و اقدام ضابطان تحت نظارت مستقیم مقام قضایی فارغ از سلسله مراتب اداری سازمان مربوطه (به طور مثال در شمال کشور به بهانه توسعه صنعت و ایجاد شهرک‌های صنعتی، بیش از دویست هکتار از منابع طبیعی و محیط زیست به طور کامل نابود شده است)؛
- ۴- لغو برخی طرح‌های واگذاری با قراردادهای متعدد به اشخاص حقیقی و حقوقی، که در عمل موجب جنگل‌زدایی و تخریب مراتع شده و فراهم‌سازی امکان دخالت ضابطان در این گونه موارد؛
- ۵- الزام به معدوم‌سازی مواد زائد کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به شیوه‌های صحیح و علمی با نظارت سازمان حفاظت محیط زیست و پلیس ویژه جرائم زیست محیطی؛
- ۶- بالابردن سطح آگاهی ضابطان از قوانین و تفهیم اختیارات و وظایف ضابطان در برخورد با جرائم زیست محیطی؛

۷- منع اعطای مجوز تأسیس به کارخانجات و کارگاه‌هایی که ضوابط مربوط به رعایت بهداشت و مسائل زیست محیطی را رعایت نکرده‌اند.

در کشور ما بین سیاست تقنینی کیفری که رسالتی سزادهنده و کیفرمحور دارد؛ با سیاست جنایی قضایی که با انعطاف و واقعیت‌بینی بیشتری نسبت به اجرای قانون با مصادیق عینی و رفتارهای جنایی عمل می‌کند و اجرای مفاد و تصمیمات قضایی در مرحله اجرای احکام کیفری نوعی ناهماهنگی و عدم انسجام به چشم می‌خورد (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ۷۲).

سیاست جنایی اجرایی: آنچه امروزه در جوامع بشری دغدغه زیادی ایجاد کرده است، بحران زیست محیطی است؛ بحران زیست محیطی و تجاوزات عدیده به منابع طبیعی همه اقشار جامعه را سردرگم کرده است. سیاست جنایی اجرایی در خصوص جرائم زیست محیطی به مجموعه تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که در چهارچوب وظایف دولت به معنای خاص (قوه مجریه) برای مبارزه با جرائم این حوزه اتخاذ می‌شود؛ موضوع سیاست جنایی اجرایی را می‌توان بررسی تدابیر قوه مجریه دانست. با عنایت به مفهوم پیشگیری و سیاست جنایی، تدابیر اتخاذ شده در این حوزه اعم از تدابیر سرکوبگرانه و پیشگیرانه، غیر کیفری هستند که در نظام سیاست جنایی گنجانیده می‌شود. هریک از دسته‌های مختلف سیاست جنایی، بازوان اجرایی دارند؛ عوامل اجرایی سیاست جنایی اجرایی را در نظام حقوقی ایران بی‌شک دولت تشکیل می‌دهد، مهمترین و اصلی‌ترین عوامل اجرایی سیاست جنایی اجرایی در زمینه مبارزه با جرائم زیست محیطی، سازمان حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی است. گفتنی است سازمان‌های دولتی دیگر همچون امور منابع آب، دامپزشکی، شهرداری و مانند آنها نیز از عوامل اجرایی این سازمان است که هرکدام در بعد وظایف سازمانی خود نسبت به طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و اجرای آن اقدام می‌کنند. بنابراین سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه قضایی موجود است، سیاست جنایی اجرایی را شکل می‌دهد که نقش پلیس در معنای گسترده آن که شامل همه ضابطان می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ نقشی که در سطح کلان به وظیفه پلیس در تأمین امنیت داخلی کشور بازمی‌گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳). بدین گونه که پلیس و سایر ضابطان خاص به دو صورت نقش فعال در تحقق این سیاست می‌توانند ایفاء کنند. هم از جهت کشف و دستگیری متهمان که در مقام ضابط قضایی صورت می‌گیرد و هم از جهت حضور و گشت‌زنی پلیس و سایر ضابطان در اماکن

پرخاطر که سبب پیشگیری از جرم و تحقق نظم در جامعه می‌شود. ناگفته نماند که اگر ضابطان به آن گونه‌ای که باید و شاید به وظایف خود عمل نکنند، این امر خود ممکن است منبع ناامنی و هنجارشکنی در جامعه شود، بنابراین نقش و اهمیت قوه مجریه از این جهت که رکن اجرایی سیاست جنایی به شمار می‌رود از دو جهت حائز اهمیت است. اول آن که قوه مجریه تنها رکن با صلاحیت در راستای تحقق در اجرای سیاست جنایی اتخاذ شده است؛ به عبارت دیگر این قوه مجریه است که نقش فعال در به ظهور رساندن سیاست جنایی در کنار سایر ارکان دارد. از جهت دیگر اینکه، این تطبیق و اجرا چنانچه در هماهنگی با سایر ارکان صورت گیرد می‌تواند با یک سیاست جنایی واحد و هماهنگ با برنامه‌ها و یا عملکرد عوامل اجرایی در جهت سیاست جنایی پیش‌بینی شده از سوی قوه مقننه باشد. در این خصوص می‌توان از شهرستان فریدون‌کنار در شمال ایران که به عنوان قتلگاه پرنندگان مهاجر است نام برد. در این منطقه نیروهای حفاظت محیط زیست و سازمان‌های متصدی امر نتوانستند حریف شکارچیان غیر مجاز و متخلفان، از جمله فروشندهگان پرنندگان شوند و تا به امروز نزدیک به دو میلیون قطعه پرنده در معرض انقراض در این منطقه کشته شدند و تا این لحظه تلاش‌ها برای جلوگیری از ماشین کشتار پرنندگان مهاجر در فریدون‌کنار بی‌نتیجه مانده است و بازاری با میلیاردها تومان گردش مالی بکار خود ادامه می‌دهد. در این موضوع، پلیس و سایر ضابطان می‌توانند با توجه به رسالت خود نخست نسبت به شناسایی و جمع‌آوری دام‌ها و وسایل ارتکاب جرم و دستگیری و شناسایی متخلفان و شکارچیان غیر مجاز و معرفی به مرجع قضایی اقدام کنند و همچنین نسبت به جمع‌آوری و تعطیل کردن بازار فروش پرنندگان اقدام کرده و نیز در راستای مدیریت شکار، نسبت به صدور پروانه شکار برای مدت زمانی مشخص با تعداد معین اقدام کرده و همچنین با برگزاری و تشکیل کلاس‌های توجیهی و آموزشی، نسبت به بالابردن سطح سواد عمومی افراد در منطقه در خصوص فواید وجود پرنندگان در اکوسیستم طبیعی منطقه در درازمدت و ایجاد اشتغال و کسب درآمد از منطقه در صنعت توریسم و نیز آگاهی از مضرات و نتایج زیانبار حاصل از شکار بی‌رویه در کوتاه مدت و بلندمدت که موجب از بین رفتن اکوسیستم منطقه خواهد شد اقدام کنند.

سیاست جنایی قضایی: سایت جنایی قضایی به معنای نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوطه است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۱).

سیاست جنایی قضایی از بعد محدود و مضیق، در برگیرنده سیاست جنایی انعکاس یافته در تصمیم‌ها و

آراء محاکم است. اما همین تنوع و کثرت تصمیم‌ها و آراء در محاکم مانع مهمی در راه احراز یک سیاست جنایی قضایی واحد و به دنبال آن فقدان دسترسی به سیاست جنایی واحد و مشترک در کل نظام حقوقی است. به همین جهت است که سیاست جنایی قضایی را در وهله نخست شامل رویه قضایی عام یعنی عملکرد و برداشت قضات از قانون دانسته‌اند که در صورت بروز اختلاف در آراء و صدور احکام گوناگون، به طور معمول دیوان عالی کشور مبادرت به صدور رأی وحدت رویه در موضوع اختلافی می‌کند. در ایران، با عنایت به هدف نهایی و اساسی سیاست جنایی که مبتنی بر سزادهی، پیشگیری از بزهکاری و اصلاح و درمان بزهکاران است، به نظر می‌رسد وظیفه اصلی تحقق اهداف سیاست جنایی بر عهده قوه قضاییه است، زیرا در بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان از وظایف احصایی و اصلی قوه قضاییه محسوب می‌شود. هر چند دستیابی به چنین هدفی برخلاف ظاهر امر، مستلزم همکاری و هماهنگی تمام نهادهای مرتبط است و در این میان، نمی‌توان نقش و رسالت اجتناب‌ناپذیر قوای مجریه و مقننه را در تدوین، شکل‌گیری و اجرای سیاست جنایی نادیده انگاشت و این موضوع، نافی تکالیف محوری قوه مجریه در اجرای اصول قانون اساسی به ویژه در باب حقوق ملت و قوه مقننه در تصویب مقررات مربوطه نیست. به همین دلیل، برخی اعتقاد دارند که شاید بتوان اختصاص این تکلیف سنگین به قوه قضاییه را از باب تغلیب دانست، زیرا مرجعی که برخورد بیشتری با مجرمان داشته، تعقیب، محاکمه و مجازات بزهکاران را برعهده دارد و همچنین می‌تواند طرح‌های پیشنهادی خود را در قالب لوایح قانونی به مجلس عرضه کند، قوه قضاییه است. افزون بر آن مسئولیت پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان نیز به این قوه واگذار شده است که البته چنانچه بیان شد پذیرش مطلق این نظر با تأمل و بحث فراوانی روبرو خواهد بود (فرجیها، ۱۳۷۰، ص ۱۱).

سیاست جنایی، قضایی و اجرایی ایران، از جهات مختلف با سیاست جنایی تقنینی و اصول و مبانی مربوط در تعارض است. مطابق یک معنا، سیاست جنایی قضایی به مفهوم نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوط است که از اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری سرچشمه می‌گیرد. گفتمان سیاست جنایی تقنینی در همه زمینه‌ها و ابعاد، در قوه قضاییه، دادسراها و دادگاه‌ها، یکسان دریافت و اجرا نمی‌شود، بلکه مراجع قضایی هر یک ممکن است درک و برداشت متنوع و گوناگونی از آن داشته باشند. از این رو، به تعبیر برخی جرم‌شناسان،

می‌توان نسبی بودن سیاست‌های جنایی تقنینی در زمان را در برابر نسبی بودن سیاست‌های جنایی قضایی در زمان و مکان قرار داد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵). طولانی بودن فرایند رسیدگی به دعاوی موجب تراکم کار محاکم، خستگی عوامل انسانی، نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد به دستگاه قضایی، کم‌رنگ شدن عدالت و امنیت، کاهش قاطعیت و اقتدار قوه قضاییه و صرف هزینه‌های گزاف و غیر ضروری می‌شود. در امور کیفری نیز فاصله بین ارتکاب جرم و مجازات مرتکبان آنقدر زیاد شده است که اثر بازدارندگی مجازات را از بین برده و رعب و هراس مجرمان را از عواقب اعمالشان کاهش خواهد داد که نتیجه نهایی این امر افزایش جرائم، ناامنی و ازدیاد پرونده‌ها خواهد بود. این امر، نه با انصاف و عدالت همسانی دارد و نه با اصول و مبانی حاکم بر سیاست جنایی. به اعتقاد بکاریا، قوانینی که از اصول و طبیعت خود منحرف شوند، دگرگون و نابود خواهند شد. اعتقاد وافر بکاریا بر سرعت در اجرای کیفرها، امروزه به عنوان سرمشق و الهام‌بخش بسیاری از واضعان سیاست جنایی قرار گرفته است. وی بر این باور بود که هرچه کیفر سریع و بدون فاصله در تعاقب جرم اجرا شود، عادلانه‌تر و مفیدتر خواهد بود زیرا مقصر را از عذاب‌های موحش و بیهوده تردید و بلاتکلیفی که نیروی تخیل و احساس ضعف خود او آن را شدت می‌بخشد، برکنار خواهد داشت. از طرفی، هرچه زمان میان تبهکاری و کیفر کوتاه‌تر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان قوی‌تر و پایدارتر خواهد بود، به نحوی که انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به شمار می‌آورد (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

به عنوان مثال در این خصوص می‌توان یادآور شد که قوه قضاییه می‌تواند با آموزش ضابطان در مسیر کشف و تحقیقات اولیه و استفاده از دلایل علمی کشف جرم نسبت به شناسایی مجرمان و دستگیری به موقع آنان و جلوگیری از ادامه روند مجرمانه و همچنین نسبت به پیشگیری از وقوع جرائم زیست محیطی و همچنین تدوین لایحه آیین دادرسی افتراقی در جرائم زیست محیطی و منابع طبیعی و تخصصی نمودن شعب تحقیق و رسیدگی و استفاده از قضات مجرب و متخصص در این حوزه اقدام کند و نکته قابل ذکر آن که برخلاف تصور عموم، آنچه سبب پیشگیری از وقوع جرم می‌شود، شدت مجازات نیست بلکه مطابق نظر بنتام این قطعیت و حتمیت مجازات است که سبب پیشگیری از وقوع جرم می‌شود؛ بنابراین شایسته است قوه قضاییه با ارائه لایحه‌ای نسبت به ممنوعیت استفاده مجرمان جرائم زیست محیطی از تخفیف‌های قانونی از جمله آزادی مشروط، تعلیق تعقیب و اجرای مجازات، معافیت از کیفر

و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس و لزوم جبران خسارت در این گونه از جرائم بر مبنای اصول حقوقی از طریق هیئت دولت به مجلس اقدام و همچنین با راه‌اندازی بانک جامع اطلاعاتی و ثبت مشخصات و سوابق مجرمان در این حوزه از برخورداری این مجرمان از اعطای مجوز و پروانه‌های اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی که مرتبط با این حوزه است، جلوگیری کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پاسخ به آلودگی‌های زیست محیطی گسترده‌تر از واکنش در برابر آن است به عبارت دیگر پاسخ هم شامل مرحله پیش از وقوع جرائم و هم مرحله پس از آن را در بر می‌گیرد. پیشگیری از جرائم زیست محیطی مرحله نخست پاسخ است. موضوع مداخله پلیس و ضابطان در سال‌های اخیر به لحاظ نهادینه شدن پیشگیری از جرم در نیروی انتظامی و تشکیل شورای عالی پیشگیری، جایگاه مهمی را کسب کرده است. با توجه به این که تعامل مثبت نیروی انتظامی و سایر ضابطان خاص در کشف جرائم به عنوان متولی رکن اول از فرایند دادرسی با قوه قضاییه و دستگاه اجرایی در ایجاد امنیت و برقراری نظم و انضباط اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم، شناسایی بسترها و عوامل وقوع جرم، ایجاد امنیت اجتماعی و اخلاقی و افزایش ضریب امنیت مردم و جامعه نقش بسزایی دارد؛ در سایه این تعامل تنگاتنگ شاهد کاهش وقوع جرائم و افزایش ضریب اطمینان و بسط و توسعه عدالت قضایی و حفظ حقوق شهروندی و افزایش آرامش و امنیت به عنوان هدف غایی خواهیم بود که این هدف با افزایش توان علمی و عملی و شایستگی اخلاقی ضابطان دادگستری، فراهم ساختن زمینه استفاده بهینه از قوای انتظامی و دیگر ضابطان خاص، وضع قوانین مناسب برای حفظ و حراست از ضابطان و رعایت شأن آنان به منظور اجرای عدالت، انجام صحیح دستورات قضایی، پرهیز ضابطان از برخوردهای دوگانه و تبعیض آمیز با مرتکبان جرائم، گزارش به موقع و سرعت در ارائه گزارشات به مرجع قضایی، ارائه طریق و مشاوره ضابطان با کمیسیون‌های داخلی سازمان‌های متبوع، مستندسازی ضابطان در راستای جمع‌آوری دلایل جهت اعلام جرم و شناسایی متهم به دستگاه قضایی محقق خواهد شد؛ از این رو در راستای اتخاذ یک سیاست جنایی کارا و مناسب، تشکیل پلیس ویژه برخورد با جرائم زیست محیطی و افزایش اختیارات ضابطان در جرائم زیست محیطی از طریق قانونگذاری و بالابردن سطح آگاهی ضابطان از قوانین و تفهیم اختیارات و وظایف ضابطان در

برخورد با جرائم زیست محیطی و تدوین لایحه قانون آیین دادرسی کیفری افتراقی و تخصصی کردن شعب ویژه از بدو تحقیق تا محاکمه و اجرای حکم و راه اندازی بانک جامع اطلاعاتی مجرمان و حمایت های مالی و حقوقی و توجه ویژه به حوزه گردشگری از طریق بکارگیری ظرفیت های بالقوه محیط زیست در جذب توریست و اشتغال سازی از سوی دولت و نهادهای فرهنگی احترام به محیط زیست در جامعه می تواند از جمله اقدامات علمی و عملی راهگشا در کاهش و پیشگیری از جرائم زیست محیطی باشد.

فهرست منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. چاپ سیزدهم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات. بکاریا، سزار. (۱۳۷۷). رساله جرائم و مجازات ها. تهران: نشر میزان.
- بیات، بهرام؛ رشادتی پور، جعفر و عبدی، نرگس. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور (پیشگیری اجتماعی از جرم). تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی، اداره کل مطالعات.
- پرادل، ژان. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه های کیفری. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی نیک، سید حسین، (۱۳۷۳). بحران در سیاست جنایی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران. خسروشاهی، قدرت الله. (۱۳۸۸). پیشگیری ثانویه از جرم و انحراف در آموزه های قرآن، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۹(۳۴)، صص ۲۴۵-۲۷۴.
- رشاد، علی اکبر، (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع). چاپ اول. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرگری، سیدمهدی. (۱۳۹۰). پیشگیری از بزهکاری. تهران: انتشارات نگاه بینه.
- معظمی، شهلا. (۱۳۸۸). بزهکاری کودکان و نوجوانان. چاپ اول. تهران: دادگستر.
- فرجیها، محمد. (۱۳۷۰). نقش قوه قضاییه در پیشگیری از جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- قوام، میرعظیم. (۱۳۷۵). حمایت کیفری از محیط زیست. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰). جرم شناسی کاربردی. کی نیا، مهدی، مترجم. تهران: نشر مترجم.
- لواسور، ژرژ. (۱۳۷۲). سیاست جنایی. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم. مجله تحقیقات حقوقی، ۱(۱۱۶)، صص ۲۲-۵.
- دلماس مارتی، می ری. (۱۳۸۱). نظام های بزرگ سیاست جنایی. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم. جلد اول. تهران: نشر میزان.
- محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۹۱). پلیس و پیشگیری از جرم. تهران: نشر میزان.
- میری، سیدرضا. (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری، تعقیب کیفری؛ در بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۸). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی. مجله تحقیقات حقوقی، (۲۵-۲۶)، صص ۱۴۹-۱۲۹.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۹۴). جرم شناسی، چاپ هجدهم. تهران: انتشارات آموزش و سنجش.
- نوروزی، بهرام و افراسیابی، علی. (۱۳۸۹). رویکرد جامعه محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۵(۱۴)، صص ۷-۳۶.